

هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان

۱- دکتر محمدرضا حافظ نیا*، استاد جغرافیای سیاسی - دانشگاه تربیت مدرس

۲- دکتر پیروز مجتهدزاده، دانشیار جغرافیای سیاسی - دانشگاه تربیت مدرس

۳- جعفر علی زاده، کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی

چکیده

رودخانه هیرمند از افغانستان سرچشمه می‌گیرد و زندگی مردم منطقه سیستان وابسته به آن است. نوسان جریان آب هیرمند و کاهش آب جاری به سمت سیستان (ایران) در صد سال گذشته همواره مشکلاتی را در روابط سیاسی ایران و افغانستان در سطوح محلی و ملی بوجود آورده است. این پژوهش در پی یافتن علل نوسان آب هیرمند و کاهش جریان آن بسوی سیستان و تاثیر آن بر روابط سیاسی بین دو کشور می‌باشد. وقوع خشکسالی و کاهش جریان آب از سرچشمه‌های هیرمند باعث کاهش جریان آب به سمت سیستان و وقوع بحران آب در این ناحیه گردیده است. در صد سال گذشته افغانها با جدا کردن کانالهای متعددی از هیرمند و احداث سدهای مخزنی و انحرافی بر روی آن حجم بیشتری از آب را مصرف نموده اند و میزان آب جاری به سیستان را کاهش داده اند این مساله، در مواقع خشکسالی در بخش علیای رودخانه کم آبی در سیستان را تشدید نموده است. قرار گرفتن سرچشمه‌های هیرمند و ۹۵ درصد از مسیر رودخانه در سرزمین افغانستان و وابستگی شدید افغانان به آب هیرمند موجب برتری ژئوپلیتیک افغانستان در مقابل ایران شده است که همواره موجب انعطاف ایران در برابر افغانستان در این مورد شده است.

کلمات کلیدی: ژئوپلیتیک، هیدروپلیتیک، رودهای بین المللی، رود هیرمند، تنش سیاسی.

- 1- **Dr. Mohammad Reza Hafeznia^{*}, Prof. of Political Geography,
Tarbiat Modares University**
- 2- **Dr. Pirouz Mojtahedzadeh, Prof. of Political geography,
Tarbiat Modares University**
- 3- **Jafar Alizadeh, M.A. in Political Geography**

Abstract

Hirmand River is originated from Afghanistan and the people's life in Sistan is depended on it. The increasing and reduction of Hirmand water flowing toward Sistan (Iran) from one hundred years ago have already caused problems in political relation between Iran and Afghanistan in local and national levels.

This research wants to find the increasing and reduction reasons of Hirmand water toward Sistan and effect of it on political relationship between Iran and Afghanistan .Drought and reduction of flowing water from Afghanistan have caused reduction in water flowing toward Sistan and also caused water crises in this area. However , over past one hundred years the Afghanis separated various canals from Hirmand and built many dams over it , have consumed a large amount of water and also the rate of flowing water toward Sistan has reduced ..

Key words: Geopolitics, Hydro politic, International Rivers, Hirmand River.

^{*} Correspondent Author (e-mail: hafezn_m@modares.ac.ir)

مقدمه :

آب منشاء حیات بر روی کره زمین است که امکان یافتن جایگزین برای آن وجود ندارد. در یک قرن گذشته با افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر به همراه بهبود شرایط زندگی و پیشرفت های صنعتی مصرف آب افزایش یافته که منجر به کاهش سرانه آن گردیده است. مصرف آب در سطح جهان سریعتر از جمعیت افزایش می یابد. از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۰م میزان مصرف آب سه برابر شده که از این مقدار ۲۳۰ درصد ناشی از رشد جمعیت و بقیه نتیجه افزایش سرانه مصرف آب بوده است. [۱، ص ۱۰۸] در طول قرن گذشته بهره برداری از منابع آب جهان هفت برابر و مصارف صنعتی سی برابر شده است [۲، ص ۵] و تقاضا برای آب هر ساله ۲،۳ درصد افزایش یافته است [۱، ص ۱۰۸].

اجلاس جهانی توسعه پایدار در ژوهانسبورگ، معضل آب را به عنوان یکی از چالش های فرامرزی جهان مطرح کرده است. دسترسی به آب آشامیدنی سالم برای امنیت انسانی و توسعه پایدار ضروری است و هنوز ۲/۱ میلیارد نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و ۲/۴ میلیارد نفر از خدمات تصفیه آب محرومند [۲، ص ۵].

منابع آب بطور یکسان در سطح کره زمین توزیع نشده است. بطوریکه بسیاری از مناطق مانند آمریکای شمالی و اروپا دارای منابع آب فراوانی می باشند، اما مناطقی مانند خاورمیانه با کم آبی مواجه هستند. امروزه آب به شکل آشکاری وارد عرصه سیاست بین المللی شده است. کمبود آب که زمانی پدیده ای محلی بود، اکنون از طریق تجارت بین المللی، مرزهای بین المللی را در می نورد [۳، ص ۴۹]. افزایش تقاضا برای آب در قرن بیست و یکم فشار بیشتری روی منابع آب وارد می کند و سیاستمداران و دولت ها مجبور می گردند مسائل مربوط به آب را در راس برنامه های خود قرار دهند.

افزایش نیاز به آب در کشورهای جهان تنش های جدیدی بر سر مساله تصاحب منابع آب بوجود آورده است. رودخانه ها یکی از منابع دسترسی به آب تازه برای مصارف انسانی می باشند، تعداد زیادی از رودخانه های در فضای سرزمینی بیش از یک کشور جریان دارند که اختلاف های بین کشورهای حوضه این رودها برای استفاده از آب وجود دارد. در حال حاضر ۱۴۵۰ معاهده و پیمان مربوط به آب امضاء شده که ۳۰۰ مورد آن منحصر در مورد مدیریت منابع آب رودهای بین المللی است [۴، ص ۷۸۱-۷۶۹].

با افزایش تقاضا برای منابع آب و آلوده شدن آب های سطحی و زیرزمینی در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عاملی برجسته در روابط سیاسی بین کشورها شده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن

تشدید می گردد. در این صورت رودخانه های بین المللی ، محل منازعه و درگیری خواهند بود [۵، ص ۹۷۵]. اختلاف بر سر رودخانه های بین المللی، اغلب بخاطر استفاده بیش از اندازه آب رودخانه در بخش علیای رود و کاهش میزان آب جاری به سمت کشور یا کشورهای واقع در بخش سفلی رود و همچنین کاهش کیفیت آب رودخانه بر اثر آلوده شدن آب در قسمت بالا دست رودخانه روی میدهد. اما ، ممکن است عوامل دیگری ، به غیر از موارد فوق ، باعث اختلاف و کشمکش بین کشورهای حاشیه رود گردند ، مانند استفاده از رودخانه برای کشتیرانی، ماهیگیری، انتخاب رود بعنوان خط مرزی و انحراف رود از مسیر خود که باعث بر هم خوردن خط مرزی می گردد و غیره.

کشمکش و درگیری بر سر کیفیت منابع آب ،براحتی از طریق همکاری بین کشورهای حاشیه رود، قابل حل است. اما، اختلاف بر سر کمیت منابع آب و مساله کاهش منابع آب به دشواری قابل حل است و در بسیاری از موارد، تهدیدی برای درگیری و منازعه میان کشورها می باشد. اختلافات در مورد رودهای نیل ، دجله و فرات ، هیرمند ، گنگ و زامبزی بر سر کمیت آب می باشد. همچنین عدم وجود قوانین و مقررات بین المللی و سازمانی برای تقسیم منابع آب رودهای بین المللی نیز احتمال درگیری و منازعه را افزایش می دهد [۴، ص ۷۷۱].

همکاری بین کشورها بر سر منابع آب به میزان زیادی با روابط سیاسی و اقتصادی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد. زمانی که کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاههای سیاسی مشترکی داشته باشند، یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده ای با یکدیگر داشته باشند ، این عامل امکان همکاری و در نهایت دستیابی به توافق بین آنها را افزایش می دهد [۶، ص ۱۵]، برعکس ، زمانی که کشورهای حاشیه رود فاقد روابط سیاسی و اقتصادی گسترده ای باشند و یا تاریخچه ای از خصومت بین آنها وجود داشته باشد ، این عوامل در نهایت منجر به عدم اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود می گردد ، که احتمال همکاری را کاهش می دهد . در چنین شرایطی کشورهای بخش علیای رود سعی می کنند از آب بعنوان یک اهرم سیاسی - اقتصادی برای تحت فشار قرار دادن کشورهای بخش سفلی رود استفاده نمایند . تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه رودخانه ها ، نیازمند دستیابی به توافق تمام کشورهای حاشیه آن و تقسیم منصفانه آب بین آنهاست . همچنین باید با یک رویکرد جامع تمام جوانب در تقسیم و سهم بندی آب و یا استفاده های دیگر از منابع آب رودخانه در نظر گرفته شود . در غیر این صورت ، دستیابی به توافق و امضاء قرار داد ممکن است

در کوتاه مدت مشکل را برطرف کند ، اما نمی‌تواند آنرا برای همیشه حل نماید و این‌گونه توافقات ناپایدار خواهند بود[۷، ص ۱۰۸].

کشمکش و درگیری بر سر استفاده از منابع آب مشترک بین کشورها درآینده ، با توجه به کاهش میزان سرانه آب و بدلیل افزایش تقاضا و آلوده شدن هرچه بیشتر منابع آب ، افزایش خواهد یافت . اما ، در نهایت ، همکاری بین کشورهای دارنده منابع آبی مشترک برای استفاده از آن ، بهترین راه حل جهت دستیابی به سهم منصفانه از آب رودهای بین المللی ، مدیریت صحیح منابع آب و جلوگیری از اتلاف آب و آلودگی آن و همچنین کمک به حفظ صلح و ثبات منطقه ای و بین المللی خواهد بود که در برخی موارد ، ممکن است کشورها مجبور به همکاری در این مورد شوند .

حاکمیت بر روی منابع آب یک مساله ژئوپلیتیکی است که به دشواری می تواند حل گردد[۱، ص ۱۰۸]. تلاشها برای تنظیم مقررات مربوط به بهره برداری از رودهای بین المللی صورت گرفته، هنوز تعریف دقیقی از میزان حاکمیت دولت ها بر این منابع آن گونه که مورد قبول همگان باشد ، ارائه نشده است که براساس آن ، بتوان مسائل و اختلافات بر سر تقسیم منابع آب رودهای بین المللی را حل نمود. در بیشتر موارد کشورهای حاشیه رود با دستیابی به توافق بین یکدیگر که مبتنی بر اصل استفاده منصفانه و حسن همجواری است مسائل و اختلافات بین خود را حل می نمایند. ضمن اینکه در ارتباط با اصل استفاده منصفانه تعاریف مشخص و قانع کننده ای وجود ندارد [۶، ص ۱۴۴].

استفاده منصفانه مربوط به نیازهای اقتصادی - اجتماعی کشورهای حاشیه رودخانه به منابع آب است و آب به گونه ای توزیع می گردد تا اندازه ای که امکان دارد نیازها را برطرف سازد و بیشترین فایده را برای کشورهای حوضه رود داشته باشد . استفاده منصفانه آب زینهای که یک کشور به کشور دیگر وارد می کند را به کمترین اندازه کاهش می دهد اما نمی تواند بطور کامل مانع آن گردد [۶، ص ۱۴۴] .

روش انجام پژوهش :

روش پژوهش توصیفی - تحلیلی می باشد که از طریق مطالعه اسنادی با رویکرد تاریخی وقایع و حوادث مربوط به روابط دو کشور تحت تاثیر هیرمند مورد بررسی قرار گرفته و سپس به طبقه بندی و تحلیل آن پرداخته شده است . اطلاعات مورد نظر از طریق اسناد دست اول وزارت امورخارجه ایران ، اسناد ریاست جمهوری و سازمان اسناد ملی ایران و همچنین مطالعات کتابخانه ای و بررسیهای میدانی تهیه شده است.

ویژگیهای جغرافیایی رود هیرمند :

رودخانه هیرمند با حوضه آبریز ۱۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع از کوه بابا در افغانستان سرچشمه می گیرد و پس از طی ۱۰۵۰ کیلومتر به دریاچه هامون در منطقه سیستان ایران می ریزد [۸، ص ۴]. شیب جنوبی ارتفاعات افغانستان واقع در بخش های نیمه مرکزی و جنوبی این کشور منبع اصلی تامین آب رودخانه در طول سال می باشد، که در دو شاخه اصلی آن هیرمند و ارغنداب جاری است. دو سد مخزنی عمده افغانستان، ارغنداب و کجکی در همین ناحیه احداث شده است که حوضه آبریزی وسیع تر از ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع دارند [۸، ص ۶].

بخش سفلی هیرمند که تشکیل دهنده دلتای رودخانه در ناحیه سیستان می باشد گستره ای به وسعت ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع دارد که ۴۰ درصد آن در خاک ایران است. این قسمت از چهار برجک آغاز شده تا دریاچه هامون ادامه می یابد. در منطقه دلتای رودخانه هیرمند به شاخه های متعددی تقسیم می گردد. جهت جریان هیرمند بعد از بند کمال خان در ناحیه دلتا به سمت شمال می باشد که در بند کوهک به دو شاخه پریان مشترک و سیستان تقسیم می گردد. که اولی وارد دریاچه هامون پوزک و دومی وارد هامون هیرمند میگردند. رود هیرمند در قسمتی از مسیر خود پس از بند کوهک مرز میان ایران و افغانستان را تشکیل می دهد. بارش در ناحیه دلتا بسیار کم و تبخیر بالاست و آب مورد نیاز آن تماما از رود هیرمند تامین می گردد. بالا بودن میزان تبخیر و اتلاف زیاد آب بر اثر آن در منطقه دلتای هیرمند سیستان ایران و چخانسور افغانستان میزان آب مورد نیاز برای هر هکتار زمین کشاورزی در این قسمت را به شدت افزایش میدهد. رود هیرمند دارای رژیم آب دهی متغیر در طول سال می باشد به گونه ای که ۸۴ درصد جریان آب رودخانه مربوط به ماههای بهمن تا خرداد است. همچنین میزان آبدهی رودخانه در سالهای مختلف به شدت تغییر می یابد [۹، ص ۳۵].

نوسان جریان آب هیرمند و سیر تحول مناسبات سیاسی ایران و افغانستان

اختلاف بر سر استفاده از آب رودخانه هیرمند بین ایران و افغانستان از زمان شکل گیری مرزهای شرقی ایران با دخالت انگلیسی ها آغاز گردید. در نیمه دوم قرن نوزدهم با اوج گرفتن اختلافاتی که در نواحی شرقی

ایران، بین حکام محلی تابع ایران و افغانستان بر سر مسائل مرزی بوجود آمده بود. دو کشور بر اساس معاهدات جداگانه ای که با انگلستان داشتند، حل این مسائل را به حکمیت دولت بریتانیا سپردند. دولت بریتانیا ژنرال فردریک گلداسمید را مأمور رسیدگی به این مسئله نمود. وی در ماه مه سال ۱۸۷۱م (۱۲۵۰ ش) مأمور انجام حکمیت مرزی میان ایران و افغانستان در مورد مناقشات دو کشور در منطقه سیستان شد [۱۰، ص ۳۸۱]. گلداسمید با تحقیق و بررسی در سرحدات سیستان در ۱۹ اوت ۱۸۷۲م (۱۲۵۱ ش) رأی خود را در تهران صادر نمود. رأی گلداسمید به طور کامل به مسأله مشخص نمودن مرز دو کشور اختصاص داشت که بر اساس آن گلداسمید منطقه سیستان را به دو بخش «سیستان درونی» و «سیستان بیرونی» تقسیم نمود. وی «سیستان بیرونی» که بخش بزرگتر و وسیع تر را در بر می گرفت به افغانستان داد و بخش سیستان درونی و قسمت کوچکتر را به ایران اختصاص داد. همچنین شاخه اصلی هیرمند در خاوری ترین بخش دلتا پایین کوهک را به عنوان مرز دو کشور تعیین نمود [۱۰، ص ۳۹۱]. بدین ترتیب قسمتی از دلتای هیرمند که بخش وسیعتر زمینهای کشاورزی و جمعیت بیشتری داشت به ایران واگذار گردید و ناحیه ای که مسیر عبور آب جهت شرب در این قسمت را تشکیل می داد به افغانستان سپرده شد [۱۱، ص ۱۶]. با قرار دادن مرز دو کشور بر روی قسمتی از مسیر رودخانه هیرمند، رودخانه بر اساس سند وین تبدیل به رودخانه بین المللی گردید که پس از آن همواره با نقش آفرینی سیاسی خود روابط دو کشور را تحت تأثیر قرار داده است.

گلداسمید در مورد تقسیم آب هیرمند دو طرف را از انجام عملیاتی بر روی رودخانه که موجب کسر آب طرف مقابل گردد، منع کرد [۱۲، ص ۱۳]. گلداسمید در مورد تقسیم آب رود هیرمند هیچ رأیی صادر ننمود که بر اساس آن مشکلات موجود بر سر استفاده از آب رودخانه حل گردد یا از گسترش اختلافات در آینده جلوگیری نماید. بعدها با تقاضای دولت افغانستان، وزیر امور خارجه انگلیس با موافقت گلداسمید جمله فوق را به گونه ای تفسیر نمود که که افغانان بتوانند با ساختن کانلهای جدید و تعمیر کانلهای متروک و قدیمی به میزان بیشتری از آب هیرمند استفاده نمایند. بر این اساس افغانها به خود اجازه دادند که با احداث و حفر کانالهای جدید، میزان آب جاری به سمت سیستان را کاهش دهند که این امر در سالهای کم آبی و با توجه به موقعیت جغرافیایی و بالا دستی خود مشکلات زیادی را برای سیستان ایجاد نمود.

حکمیت مک ماهون

در سال ۱۸۹۶ م (۱۲۷۵ ش)، طغیان رود هیرمند موجب تغییر مجرای آن در ناحیه دلتا گردید و با انحراف مسیر رودخانه به سمت غرب قسمت اعظم آب از طریق مجرای جدید (پریان) به سمت هامون جاری شد [۱۳، پرونده ۹]. تغییر مجرای رودخانه اختلافاتی بین ساکنان دو سوی مرز بر سر مالکیت اراضی بین مجرای قدیم و مجرای جدید بوجود آورد. افغانان، مدعی تغییر مرز بواسطه تغییر مجرای آب رود هیرمند شدند و ضمن تصرف اراضی واقع در بین مجرای قدیم و مجرای جدید با بند سیستان راتخریب کردند و احداث بندها بر روی هیرمند تمام آب رودخانه را به طرف خود جاری ساختند [۱۳، پرونده ۹].

کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه باعث کم آبی شدیدی در ناحیه دلتا در تابستان ۱۳۲۰ ق (۱۲۸۱ ش) گردید، به گونه‌ای که سیستان و چخانسور با معضل کم آبی روبرو شد. [۱۴، پرونده ۱/۱]. کم آبی شدید در بخش دلتا منجر به بروز منازعه در این ناحیه گردید. در سال ۱۳۲۰ ق، (۱۲۸۱ ش)، گروهی از نظامیان افغانی پس از تجاوز به خاک ایران در بازگشت بند سیستان را تخریب کردند، این مساله کم آبی سیستان را تشدید نمود، به گونه‌ای که عده‌ای از مردم سیستان به افغانستان مهاجرت کنند [۱۵، پرونده ۹].

اختلافات بوجود آمده بر سر مکان مرز و تجاوز افغانیها به ایران به همراه کم آبی شدید سیستان موجب تنش شدیدی بین ایران و افغانستان شد، که در نهایت موضوع به حکمیت دولت انگلستان سپرده شد. حکم انگلیسی، مک ماهون، به همراه کمیسیون داوری خود در ژوئن ۱۹۰۳ م (۱۲۸۲ ش) بطور کامل در سیستان مستقر شد و مطالعات و بررسی‌های مربوط به آب و زمین در سیستان را شروع نمود [۱۰، ص ۴۳۵].

حکمیت مک ماهون در مورد مسائل مرزی و اختلافات بوجود آمده بر سر تغییر مجرای رودخانه که در حکمیت گلداسمید بعنوان خط مرزی تعیین شده بود که مسائل مربوط به تقسیم آب رود هیرمند به آن افزوده شد.

مک ماهون پس از تکمیل داوری مرزی خود در نوامبر ۱۹۰۳ م (۱۲۸۲ ش) با ایجاد تغییرات جزئی در خط مرزی تعیین شده از سوی گلداسمید آن را بعنوان مرز بین دو کشور تعیین نمود و به نفع ایران رای داد، که مورد پذیرش دولت ایران قرار گرفت. [۲۹، ۴۱۱] اما، امیر افغانستان پس از یکسال در اکتبر ۱۹۰۴ م (۱۲۸۳ ش) این رأی را پذیرفت. [۱۰، ۴۱۸].

مک ماهون اندازه‌گیریهای مربوط به آب رود هیرمند در بالای بند کوهک (در رأس کانال رودبار) را از فوریه ۱۹۰۳ م (۱۲۸۲ ش) تا ماه مه ۱۹۰۵ م (۱۲۸۴ ش) ادامه داد و در دهم آپریل ۱۹۰۵ م (۱۳۸۴ ش) دست به تقسیم آب رود هیرمند زد و سهم آب ایران را به یک سوم از کل آبی که به بند کمال خان میرسید، کاهش

داد [۱۷، پرونده ۱۱]. رای کمیسیون مک ماهون که بر خلاف یافته‌های تحقیقی در مورد مصرف آب و میزان نیاز طرفین به آب و تنها جهت حفظ منافع دولت انگلستان با جلب رضایت افغانیها در این قسمت از آسیا، سهم آب ایران را از ۶۲ درصد به ۳۳ درصد کاهش داد. این رای مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت. [۱۸، پرونده ۸]. اما بلافاصله مورد قبول دولت افغانستان قرار گرفت [۱۹، پرونده ۷] و اختلاف بر سر استفاده از آب هیرمند همچنان ادامه یافت و ایرانیان همواره میزان بیشتری از آب هیرمند را در بخش دلتا استفاده می کردند. این موضوع باعث منازعه بین دو طرف در مواقع کم آبی می شد. استفاده بیشتر سیستمهای ایران از آب هیرمند در سالهای بعد افغانیها را به این فکر واداشت تا منابع آب مورد نیاز خود را از بالای بند کوهک با احداث کانالهای جدیدی به طرف خود در ناحیه چخانسور جاری سازند.

شکل نوین روابط سیاسی ایران و افغانستان پس از سال ۱۳۰۰ خورشیدی

پایان جنگ جهانی اول و فروکش کردن بحرانهای سیاسی، برای نخستین بار در اوایل سال ۱۳۰۰ شمسی، مذاکرات سیاسی رسمی بین دو کشور ایران و افغانستان آغاز شد. این مذاکرات در اوایل تیر ماه ۱۳۰۰ شمسی به نتیجه رسید و نخستین قرارداد بین دو کشور با عنوان عهدنامه مودت بین دولتین ایران و افغانستان امضاء شد که منجر به ایجاد فضای دوستانه ای در روابط سیاسی دو کشور گردید و فصل جدیدی در روابط سیاسی بین دو کشور گشوده شد. شش سال پس از استقلال افغانستان در سال ۱۹۲۷ م (۱۳۰۶ ش) عهدنامه دیگری تحت عنوان « عهدنامه ودادیه و تأمینیه » میان دو دولت منعقد گردید که موجب تحکیم روابط سیاسی دو کشور شد. در این زمان که رضا خان با ایجاد حکومت مرکزی نیرومند حل مسائل مرزی با همسایگان را در اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده بود و توجه خاصی به حل مسائل مرزی داشت، بدنبال فرصتی برای حل اختلافات ایران و افغانستان در مرزهای شرقی کشور و مسأله تقسیم آب هیرمند بود. در سال ۱۳۰۹ ه.ش خلعت‌بری سفیر ایران در کابل مذاکراتی با وزیر امور خارجه افغانستان در مورد هیرمند و حل اختلافات بین دو کشور انجام داد، و مقرر گردید کمیسیون مشترکی تشکیل و نمایندگان طرفین جلسات خود را در مرز برگزار نمایند و بعد از بازدید محل و کسب اطلاعات لازم قضیه را فیصله دهند. [۲۰، پرونده ۱۱۶ از کارتن ۲۵] سر انجام بر اثر دیدگاههای مشترک حکومت های ملی در دو کشور به همراه عهد نامه مودت زمینه برای اولین مذاکرات مستقیم بین ایران و افغانستان در مورد تقسیم آب هیرمند فراهم نمود. این مذاکرات در سال ۱۳۱۰ ه.ش بین نمایندگان دو طرف صورت گرفت که دو طرف پیشنهاد تنصیف آب را پذیرفتند اما در مورد مکان تقسیم آب به توافق نرسیدند [۲۱، پرونده ۱۱۶ از کارتن ۲۰].

تلاش افغانها برای توسعه کشاورزی در چخانسور و احداث نهر شاهی

استفاده بیشتر سیستمها از آب رودخانه هیرمند پایین تر از بند کوهک، افغانها را بر آن داشت تا با احداث کانالهایی در خاک خود بالاتر از بند کوهک، آب مورد نیاز خود را به سمت چخانسور جاری سازند تا نیازمند سیستمها نباشند و بتوانند از این طریق کشاورزی خود در ناحیه چخانسور را توسعه دهند. بدین جهت اقدام به ساخت کانال شاهی بالاتر از بند کوهک نمودند زیرا سیستمها از طریق بند کوهک بیشتر آب را به سوی خود جاری می ساختند [۲۲، پرونده ۱۱۶ از کارتن ۱۵].

غلامحسین رسته از اعضای کمیسیون مشترک هیرمند در مورد مشخصات نهر شاهی و تأثیر آن بر جریان آب هیرمند به سوی سیستان چنین می نویسد: «این نهر ۱۰ متر عرض و ۲/۵ متر عمق دارد که اگر در فصل کم آبی سدی را که در حال حاضر بسته اند، تکمیل نمایند، نصف بلکه بیشتر آب هیرمند را به آن طرف [چخانسور] خواهد برد» [۲۳، پرونده ۱۱۶ از کارتن ۲۰]. احداث نهر شاهی توسط افغانها و سیاست دولت افغانستان در جهت توسعه کشاورزی در حاشیه رودخانه هیرمند را باید سرآغازی برای اقدامات افغانها جهت محدود کردن سهم آب سیستان دانست.

کم آبی سیستان در تابستان ۱۳۱۵ ه.ش و عقد قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند

با وجود شکست مذاکرات کمیسیون مشترک هیرمند، فضای دوستانه حاکم بر روابط سیاسی بین دو کشور مانع از قطع کامل گفتگوها گردید و طرفین تمایل خود را جهت ادامه مذاکرات اعلام داشتند. با شروع کاهش آب رودخانه و کم آبی در تیر ماه ۱۳۱۵ ش، افغانها برای تأمین آب مورد نیاز خود با محکم کردن بند لخشک در دهانه نهر مارنگی، تمام آب را به طرف زمینهای کشاورزی خود جاری ساختند به گونه ای که مردم برخی از روستاهای سیستان جهت تأمین آب مورد نیاز خود مجبور به حفر چاه شدند [۲۴، پرونده ۳]. اقدام افغانها در بستن بند لخشک و جلوگیری از جریان آب به سمت سیستان باعث نابودی محصولات کشاورزی بخشی از روستاها و نواحی مرزی که هر ساله از آب این بند استفاده می کردند شد، و خشم کشاورزان سیستانی را برانگیخت. بر اثر تشدید کم آبی گروهی از کشاورزان سیستانی به سد حمله نمودند و آن را تخریب کردند تا آب مورد نیاز خود را از طریق لخشک به طرف خود جاری سازند. سد

لخشک هر ساله با مشارکت سیستم‌های ایران و اهالی چخان‌سور بسته می‌شد و طرفین آب مورد نیاز خود را در آن قسمت تقسیم می‌نمودند.

تخریب بند لخشک از جانب سیستم‌ها موجب تنش گسترده‌ای در منطقه شد و وضعیت خطرناکی بوجود آورد. اما اقدامات دو کشور در سایه روابط دوستانه که با یکدیگر داشتند مانع از گسترش اغتشاشات و زد و خورد بین کشاورزان دو طرف رودخانه گردید [۲۵، پرونده ۳].

تخریب بند لخشک از سوی کشاورزان ایرانی نه تنها مانع ادامه مذاکرات نگردید، بلکه طرفین در سایه روابط دوستانه مذاکرات خود را برای تقسیم آب هیرمند به گونه‌ای که رضایت دو کشور حاصل شود را ادامه دادند. بر اساس روابط سیاسی دوستانه‌ای که در چهارچوب همگرایی‌های منطقه‌ای بین ایران و افغانستان بوجود آمده بود دو کشور سعی در حل اختلافات بین یکدیگر داشتند. بالاخره در پنجم شهریور ماه سال ۱۳۱۵ ش، هیأت‌های دو طرف یکدیگر را ملاقات و آب رود هیرمند را از بند کمال خان تا بند لخشک، بطور نصف‌نصف به مدت یک سال تقسیم نمودند و توافق کردند که هر یک از دو طرف قادر باشد سهم آب خود را در خاک خود و از هر جایی که احتیاج داشته باشد از رودخانه جدا نماید [۲۶، پرونده ۳].

در سال ۱۳۱۶ به دنبال امضاء پیمان سعدآباد بین کشورهای ایران، افغانستان، ترکیه و عراق دو کشور در چهارچوب روابط منطقه‌ای، قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند را تمدید کردند [۲۷، پرونده ۳۳].

قرارداد تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۱۷ شمسی

عقد قراردادهای موقت تقسیم آب در سالهای ۱۳۱۵ ش و ۱۳۱۶ ش بین ایران و افغانستان، در سایه روابط نزدیک دو کشور که در چهارچوب تفاهم‌های منطقه‌ای بوجود آمده قبل و بعد از عقد پیمان سعدآباد بود، طرفین سعی در جلب رضایت همدیگر را داشتند. پیمان سعدآباد به جلوه درآورنده تفاهم‌های گسترده منطقه‌ای میان نسل جدیدی از سیاستمداران ناسیونالیست کشورهای ایران، ترکیه، افغانستان و عراق بود. این مساله نقطه عطفی در تاریخ منطقه است که قراردادهای منصفانه ایران با دیگر کشورهای همسایه در این دوره منعقد گردید. این شرایط زمینه را برای دستیابی به توافق دائمی بین ایران و افغانستان بر سر تقسیم آب رود هیرمند فراهم نمود. در سال ۱۳۱۷ ش باقر کاظمی برای ادامه مذاکرات جهت حل مسأله هیرمند به عنوان سفیر ایران به افغانستان اعزام شد و با انجام مذاکراتی با مقامات افغانی موفق شد قراردادی در ۱۶ ماده به همراه اعلامیه ضمیمه آن در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۱۷ در کابل با علی محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان

امضاء نماید ، که طی آن در ماده اول قرارداد، دو کشور میزان آبی را که به بند کمال خان می‌رسید بطور نصف‌نصف تقسیم می‌کردند. همچنین در ماده دوم قرارداد ، دولت افغانستان متعهد می‌گردید که از چهار برجک تا بند کمال خان کانال تازه‌ای احداث ننموده و حتی تعمیر نکنند. طبق ماده هشتم قرارداد نیز طرفین موافقت می‌کردند که از بند کمال خان تا ده دوست محمد خان و سیخ سر که آخرین مکان تقسیم آب است اقداماتی که باعث کاهش سهم آب طرف مقابل گردد انجام ندهند. بقیه مفاد قرارداد مربوط به ایجاد تأسیساتی بر روی رودخانه و نحوه تقسیم و توزیع آب توسط مأمورین طرفین و تاریخ اجرای قرارداد و ... بود. اعلامیه ضمیمه قرارداد نیز افغانستان را از انجام اقداماتی که سبب کاهش سهم آب ایران در بند کمال خان و ضرر رساندن به زراعت و آبیاری سیستان گردد ، منع می‌کرد [۲۸، پرونده ۹۹].

قرارداد مزبور و اعلامیه منضم به آن در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۱۸ش از تصویب مجلس ملی ایران گذشت. هیأت انجمن شورای ملی افغانستان و مجلس عمومی شورای افغانستان قرارداد را در به تصویب رساند ولی از تصویب اعلامیه سرباز زد. عدم تصویب اعلامیه از طرف مجلس افغانستان ، مانع از اجرا مفاد قرارداد گردید [۲۹، پرونده ۵۷].

اشغال ایران در سال ۱۳۲۰ و مشکلات پس از آن ، این اجازه را به افغانیها داد تا برای احداث سدهای مخزنی و انحراف و انشعاب کانالهایی از هیرمند با آمریکائیها به توافق برسند [۱۰، ص ۱۳۷]. در سال ۱۳۲۴ ه.ش افغانیها ساخت کانال بقراء که مدتی متوقف شده بود را مجدداً آغاز کردند . این کانال می توانست در زمان کم آبی رودخانه تمام آب هیرمند را به سوی خود جاری سازد. کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۴ و احداث کانال بقرا موجب اضطراب و وحشت اهالی سیستان گردید [۳۰، پرونده ۳].

تشکیل کمیسیون بیطرف هیرمند :

در سال ۱۳۲۶ ه.ش کاهش بارندگی در بخش علیای هیرمند موجب کم آبی شدید در بخش دلتای رودخانه شد، به گونه ای که مجرای رودخانه در بخش سفلی ، برای مدتی کاملاً خشک گردید. [۳۱، پرونده ۳-۱۷۲] علاوه بر خشکسالی، استفاده زیاد افغانها بالاتر از بند کوهک، کم آبی درسیستان را نیز تشدید نمود. خشکسالی و کمبود آب موجب خسارت گسترده به کشاورزان ایرانی و افغانی گردید که عده ای از مردم مجبور به مهاجرت از سیستان به سایر نواحی ایران شدند [۳۲، پرونده ۷۲۴۵]. دولت ایران تصمیم گرفت هیاتی برای بررسی علت کم آبی سیستان برای بازدید از حاشیه هیرمند به افغانستان اعزام کند. این مساله مورد موافقت

افغانها قرار نگرفت. بدنبال آن دولت ایران تصمیم گرفت تا موضوع را به شورای امنیت ارجاع دهد با توجه به اوضاع سیاسی جهان آن روز و رقابت شوروی و ایالات متحده آمریکا، دولت آمریکا ایران را از طرح مساله تقسیم آب هیرمند در شورای امنیت منصرف کرد و پیشنهاد تشکیل کمیسیونی بی طرف برای حل مساله تقسیم آب هیرمند را داد که مورد موافقت دو کشور قرار گرفت [۳۳، پرونده ۲۲۷].

با توافق دو کشور برای تشکیل کمیسیون بیطرف هیرمند، دولت ایران یکی از کارشناسان فنی خود را برای بازدید از حاشیه هیرمند و بررسی تاسیسات ساخته شده بر روی آن به افغانستان اعزام نمود. تشکری کاشناس ایرانی در گزارشی تحت عنوان «بررسی علل کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۷ش» خشکسالی سالهای ۱۳۲۵-۲۶ش، حفر نهر سراج و ایجاد امنیت در افغانستان و توجه دولت به امر کشاورزی در این کشور را علل اصلی کم آبی در سال ۱۳۲۷ش دانست. [۳۴، ضمیمه پرونده عهد]. دولت آمریکا همچنین، در ماه مارس سال ۱۹۵۰م (۱۳۲۹ش) سه نفر متخصص در این زمینه را از کشورهای شیلی، کانادا و ایالات متحده برای عضویت در کمیسیون انتخاب نمود. کمیسیون بیطرف «مقدار آب لازم برای سیستان را ۰/۶۲ میلیارد متر مکعب در سال یعنی بطور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه تعیین کرد». [۳۵، پرونده ۲۷]. که این میزان در سالهای کم آبی کاهش می یافت و به هیچ عنوان با نیازهای آبی منطقه سیستان مطابقت نداشت و کاملاً به ضرر ایران بود. گزارش کمیسیون بیطرف موضع ایران را در قبال مسأله هیرمند تا حدود زیادی تضعیف نمود. مذاکرات بعدی دولت افغانستان همواره به نظرات کمیسیون بیطرف استناد می نمود و آنرا مبنا و اساس مذاکره با ایران در زمینه تقسیم آب هیرمند می دانست. بدین ترتیب اسناد کمیسیون بین المللی هیرمند تبدیل به جزئی از تاریخ اختلافات بین ایران و افغانستان در مورد هیرمند گردید که گریزی از اسناد آن وجود ندارد

تلاش افغانها برای محدود کردن سهم آب ایران بر اساس نظرات کمیسیون بیطرف

در سال ۱۳۳۲ش افغانستان با تکمیل سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی، محدودیت بیشتری برای جریان آب رودخانه هیرمند به سمت سیستان ایجاد نمود. آبرگیری سدهای مذکور موجب کاهش جریان آب به سمت سیستان و قطع آن در دوره های کوتاهی گردید که منجر به وارد آمدن خساراتی به مردم سیستان و انجام اعتراضاتی از جانب آنها گردید [۳۶، پرونده ۳۸]. پس از اعلام نظرات کمیسیون بیطرف هیرمند افغانها سعی کردند میزان آب جاری به سیستان را به ۲۲ متر مکعب در ثانیه محدود سازند.

کاهش بارندگی در سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ در قسمت علیای رودخانه باعث ادامه کم‌آبی ناحیه سیستان در سال ۱۳۳۳ و ۱۳۳۴ شد. وجود سدهای مخزنی کجکی و ارغنداب نیز این مساله را تشدید می‌نمود که زیان و خسارت زیادی به سیستان وارد گردید. [۳۷، پرونده ۲۲۷]. سرانجام بدنبال مشکلات ایجاد شده بین افغانستان و پاکستان بر سر منطقه پشتونستان، دولت افغانستان پذیرفت که از طریق مذاکرات مستقیم در واشنگتن به مشکل تقسیم آب هیرمند پایان داده شود [۳۸، پرونده ۱۷۶۱]. این مذاکرات در سال ۱۳۳۵ ش بین نمایندگان دو کشور انجام شد که افغانیها حاضر به پذیرفتن میزانی بیشتر از ۲۲ متر مکعب بعنوان سهم آب سیستان که بیشتر از سوی کمیسیون بیطرف هیرمند پیشنهاد شده بود نشدند [۳۹، صورت مذاکرات هیئت اعزامی].

موقعیت ژئوپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر تقسیم آب هیرمند

از دهه ۱۳۲۰ ش به بعد کشور افغانستان صحنه رقابت گسترده سیاسی بین ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی ناشی از ملاحظات ژئواستراتژیک آنها در افغانستان بود. هر یک از قدرتهای فوق سعی داشتند با اعطای کمکهای اقتصادی و پرداخت وام به کشور افغانستان منافع خود را در این قسمت از آسیا حفظ نموده و کشور افغانستان را در حوزه نفوذ خود قرار دهند.

ایالات متحده آمریکا که در دهه ۱۳۲۰ ش با پرداخت وام برای ساخت تاسیسات آبیاری بر روی رودخانه هیرمند به کمک افغانستان آمده بود در مجموع میزان کمکهای آمریکا به افغانستان بالغ بر ۴۵۰ میلیون دلار به صورت وام و کمکهای بلاعوض شد که عموماً در زمینه خطوط ارتباطی، پروژه هیرمند، افزایش تولیدات کشاورزی و امور آموزشی بود. همچنین در همین مدت سپاه صلح آمریکا به فعالیت خود در افغانستان ادامه داد. [۴۰، ص ۱۷۳-۱۷۴] دولت ایالات متحده با اعطای کمکهای مذکور، بدنبال حفظ دولت افغانستان تحت نفوذ غرب و جلوگیری از نفوذ شوروی بود. از طرف دیگر دولت اتحاد جماهیر شوروی نیز بنابر همان ملاحظات بدنبال حفظ افغانستان در حلقه بلوک شرق بود مجموع وام و کمکهای شوروی برای برنامه‌های عمرانی و توسعه اقتصادی افغانستان از سال ۱۹۵۵ م (۱۳۳۴ ش) تا دسامبر ۱۹۷۴ م (۱۳۵۳ ش) بیش از یک میلیارد دلار بود. این کمکها در طرحهایی از جمله آبیاری، احداث واحدهای تولید برق و کارخانه‌ها و ساختمان سیلو به کار برده می‌شد. [۴۰، ص ۹۸]

محمود صلاحی، سفیر ایران در کابل در گزارش از وضعیت سیاسی افغانستان، تصویر نسبتاً روشنی از رقابت‌های سیاسی ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان و تاثیر آن بر مساله هیرمند ارائه می‌دهد:

«دولت امریکا نظر به حفظ مصالح خود با دادن وام و ساختمان سدهای کجکی و ارغنداب و بقره و دیگر کمکهای فنی نفوذ خود در افغانستان را تحکیم نموده و از طرف دیگر افغانستان روابط نزدیکی با دولت شوروی پیدا کرده بطوریکه متخصص و کارگر به افغانستان وارد نموده و هر روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود. به اضافه ساختمان مخازن نفت در شمال و در شهر کابل به عمال دولت شوروی محول گردیده است و روابط بازرگانی آنها با دولت شوروی توسعه یافته..... ایجاد روابط و مناسبات مذکور بالتیجه موجب رقابت سیاسی بین دولتین امریکا و شوروی در افغانستان گردیده و انتظار هر گونه مساعدت را از طرف امریکاییها نسبت به ایران در حل قضیه اختلاف هیرمند غیر عملی نموده است» [۴۱، پرونده ۳۹]

هیرمند و روابط منطقه ای ایران و افغانستان

از سال ۱۳۳۶ش دولت ایران به تبعیت از آمریکا در صدد نزدیکی با افغانستان بر آمد و کمیسیونی برای اعطای کمکهای اقتصادی به افغانستان تشکیل داد [۴۲، ص ۱۲۸]. در سال ۱۳۳۷ش به دنبال روابط دوستانه دو کشور پادشاه افغانستان ۴ متر مکعب بر رقم پیشنهادی کمیسیون بیطرف هیرمند به سهم ایران برای پایان دادن به موضوع تقسیم آب هیرمند افزود و دو طرف مذاکرات خود را برای حل مساله ادامه دادند [۴۳، پرونده ۱۱۹].

در شهریور ماه ۱۳۳۸ش دولت افغانستان تصمیم به ساخت یک سد انحرافی و یک سد مخزنی در بخش سفلی رودخانه هیرمند در منطقه چخانسور داشت. دولت افغانستان تصمیم داشت بر اساس نظر کمیسیون بیطرف سهم آب ایران را تعیین نموده و از جریان میزانی بیشتر از آن (طبق نظر کمیسیون بیطرف به میزان ۲۲ متر مکعب) به سمت ایران جلوگیری نماید [۴۴، پرونده ۱۴۲].

رقابت گسترده آمریکایی‌ها با دولت جماهیر شوروی در افغانستان، امکان رد پیشنهاد افغانیها از جانب دولت ایالات متحده را دشوار می‌نمود. دولت ایران با فشار سیاسی به امریکاییها مانع از کمک ایالات متحده به افغانستان برای احداث این تاسیسات گردید و امریکاییها در پاسخ به سران افغانی احداث سد را مشروط به حل مساله تقسیم آب هیرمند بین دو کشور دانست [۴۵، پرونده ۱۴۲]. تلاش دو کشور برای حل مشکل

تقسیم آب هیرمند به همراه شرط دولت آمریکا برای احداث سد در چخانسور افغانستان، در نهایت موجب مذاکرات اواخر اسفند ۱۳۳۸ ه.ش گردید. در این مذاکرات طرف افغانی، بر نظریات کمیسیون بیطرف هیرمند برای تعیین حقایق سیستان تاکید داشت که طرفین به نتیجه ای دست نیافتند [۴۶، ص ۶-۱].

بعد از مذاکرات سال ۱۳۳۸ش ایران همواره روابط نزدیکی با افغانستان داشت. دولت ایران مساله هیرمند را جهت جلب رضایت افغانیها بطور جدی پیگیری نمی کرد، افغانستان نیز در سایه روابط نزدیک دو کشور تامین آب مورد نیاز سیستان را مد نظر قرار داده بود. [۴۷، ص ۱۴۲] در سال ۱۳۴۱ با وجود کمی بارندگی و کم آبی در بخش علیای هیرمند دولت افغانستان تلاش گسترده ای برای رفع کم آبی سیستان با کاهش مصرف آب در افغانستان انجام داد [۴۸، پرونده ۱۰۳].

معاهده تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۵۱

سال ۱۳۴۵ ش بار دیگر مذاکرات برای حل مساله هیرمند میان دو کشور آغاز شد. در این دوره از مذاکرات، ایران خواستار انجام طرحها و سرمایه گذاری مشترک در حوضه هیرمند برای تامین آب مورد نیاز سیستان بود [۱۰، ص ۳-۴۶۲]. در جریان مذاکرات بین دو کشور در سال ۱۳۴۹ خشکسالی هولناکی در منطقه دلتا رخ داد که منجر به مهاجرت عده زیادی از مردم سیستان به گرگان، ترکمن صحرا و مشهد شد [۴۲، ص ۱۲۸]. در همین سال به مدت ۲۳ روز جریان آب رودخانه سیستان (بزرگترین شاخه ای از هیرمند به سمت ایران جاری است) بطور کامل قطع گردید و آبی از داخل رودخانه هیرمند به سمت ایران جریان نداشت. همچنین، میزان آب ورودی از رودخانه سیستان و کانالهای منشعب از رود پریان مشترک (هیرمند) به کمترین میزان یعنی ۱۸۹ میلیون متر مکعب کاهش یافت. [۴۹] با وجود کم آبی شدید در سراسر حوضه رودخانه، دو کشور با ادامه مذاکرات، سرانجام در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ش موفق به امضاء معاهده تقسیم آب هیرمند شدند بر اساس این معاهده مقدار آبی که از رود هیرمند در سال طبیعی و پرآبی از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می شد، بطور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه (طبق نظر کمیسیون بیطرف هیرمند) و یک مقدار اضافی به میزان ۴ متر مکعب در ثانیه بود که این میزان در سالهای کم آبی کاهش می یافت و دولت ایران نمی توانست بر بیشتر از این میزان، حتی در صورت وجود میزان بیشتری از آب در دلتای هیرمند، ادعا داشته باشد [۵۰، پرونده ۳۲].

اجرای مفاد قرارداد ۱۳۵۱ ش تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان، می توانست شدیداً به زندگی سیستان لطمه وارد سازد، کاهش سهم آب سیستان از بیش از ۶۰ متر مکعب در ثانیه در سالهای عادی و زمان

جریان طبیعی رودخانه به ۲۶ متر مکعب در ثانیه، بطور مسلم موجب کاهش سطح زیر کشت در سیستان و از بین رفتن بخش وسیعی از زمینهای کشاورزی آن ناحیه می گردید. این میزان به هیچ وجه نیازهای آب منطقه سیستان را تأمین نمی نمود. همچنین، بیشترین میزان کل حقابه سیستان، ۶۷ درصد، طبق جدول تقسیم جریان آب در ماههای مختلف سال، در فصل زمستان تحویل ایران داده می شد که از نظر مقدار و چگونگی توزیع با نیازهای آب آبیاری منطقه سیستان، هیچگونه مطابقتی نداشت [۴۷، ص ۱۸۰].

در مورد آبگذر اضافی رودخانه هیرمند، با توجه به این که ایران طبق ماده پنجم معاهده قادر به هیچگونه ادعایی نسبت به میزان بیشتر از سهم آب خود (۲۶ متر مکعب در ثانیه) از آب هیرمند و در خصوص سیلابهای این رودخانه نبود، دولت افغانستان می توانست آب اضافی را در محل سد انحرافی کمال خان به بیابان گودزره منحرف نماید یا با استفاده گسترده در بخش علیای رودخانه آنرا ذخیره و سپس مصرف نماید که در این صورت ضمن خشک شدن دریاچه هامون و بر هم خوردن تعادل محیط زیست در منطقه سیستان، موجب وارد آمدن خسارت گسترده اقتصادی به مردم سیستان می شد. دریاچه هامون نقش عمده ای در حیات اقتصادی سیستان از طریق تأمین علوفه دام و دامداری، صید و ماهیگیری، حصیر بافی و شکار و ... دارد.

ترس دولت ایران از سرنوشت افغانستان با توجه به مقاصد شوروی در منطقه، ایران را بر آن داشت تا جهت کمک به افغانستان و برای تحکیم روابط با این کشور این اختلاف دیرین را حل نماید. ایران با اعطای یک کمک اقتصادی ۳۰۰ میلیون دلاری و دادن وعده کمکهای اقتصادی بیشتر و کوتاه آمدن از مواضع خود در رابطه با آب هیرمند و در اختیار قرار دادن راههای ارتباطی برای دسترسی به خلیج فارس، به دنبال این بود تا این کشور را تشویق نماید که از اردوگاه نفوذ شوروی خارج شود و به عنوان یکی از اقمار ایران به اردوگاه نفوذ غرب بپیوندد [۴۱۲، ص ۱۰].

قرارداد ۱۳۵۱ش در تابستان ۱۳۵۲ش به مجلس شورای ملی ایران ارائه شد که موجب مخالفتهای شدیدی بر ضد آن گردید ولی با وجود این، قرارداد از تصویب مجلس شورای ملی ایران گذشت این قرارداد در افغانستان نیز به تصویب مجلس شورای ملی و سنای این کشور رسید. اما تغییر رژیم پادشاهی افغانستان در تیر ماه ۱۳۵۲ش، در اثر کودتای سردار محمد داود خان، مانع از مبادله اسناد معاهده هیرمند شد.

بعد از شکل گیری دولت جدید در افغانستان ایران سعی نمود کمک های اقتصادی به افغانستان را ادامه دهد و با انجام طرح های مشترک بر روی هیرمند و خرید آب از آن کشور آب مورد نیاز سیستان را تأمین کند اما تعارض در دیدگاه های دو طرف مانع از دستیابی به توافق بین آنها شد [۵۱، پرونده ۹۱].

با وقوع انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در ایران و حمله شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۹ م (۱۳۵۷ ش) موضوع طرحهای مشترک به فراموشی سپرده شد. آشفتگی اوضاع داخلی افغانستان با حمله شوروی و سپس وقوع جنگهای داخلی در این کشور مانع از انجام هر گونه کنترلی از سوی افغانیها بر جریان آب هیرمند گردید.

در سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۴ ش وقوع خشکسالی و کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه باعث کاهش جریان آب هیرمند به سمت سیستان گردید. وجود سدهای مخزنی چاه نیمه در سیستان به ظرفیت ۶۶۰ میلیون متر مکعب مانع از تشدید کم آبی سیستان و مهاجرت مردم محلی از این منطقه شد. از سوی دولت ایران اعتراضاتی بر کاهش جریان آب رود هیرمند به سمت ایران صورت گرفت که دولت افغانستان علت این مساله را کاهش بارندگی عنوان نمود. آشفتگی اوضاع سیاسی دو کشور نیز مانع از توجه زیاد به این موضوع گردید.

روابط سیاسی ایران و افغانستان و وضعیت جریان آب هیرمند بعد از خروج شوروی

پس از خروج شوروی از افغانستان دولت ایران خواستار شکل گیری یک حکومت نیرومند مرکزی در این کشور بود. ایران این رویه را تا زمان تصرف کابل بوسیله نیروهای افراطی طالبان ادامه داد. در سال ۱۹۹۶ م (۱۳۷۵ ش) گروه طالبان با تصرف کابل و به کنترل در آوردن بخشهای وسیعی از افغانستان به قدرت رسید که به مدت ۵ سال ادامه یافت. اسلام انحرافی طالبان که ارائه کننده چهره ترسناکی از اسلام بود به همراه خشونت این گروه علیه شیعیان افغانستان، سبب شد تا دولت ایران از به رسمیت شناختن آنان خودداری نموده و از جبهه اتحادشمال در افغانستان برای مقابله با طالبان حمایت نماید. روابط ایران با حکومت طالبان پس از تصرف کنسولگری ایران در مزارشریف و قتل نه دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی در سال ۱۹۹۸ م (۱۳۷۷ ش) بدتر شد (۵۲، ص ۹-۱).

در زمان حکومت طالبان در افغانستان خشکسالی هولناکی در بخشهای وسیعی از آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و پاکستان رخ داد که به مدت چهار سال ادامه یافت. خشکسالی در افغانستان موجب کاهش جریان آب هیرمند به سمت ایران و سپس قطع کامل آن از اواخر ۱۳۷۸ گردید که زیانهای شدیدی به مردم ساکن در حاشیه رودخانه در ایران و افغانستان وارد نمود. در سال ۱۳۷۹ ش (۲۰۰۰ م) جریان سالانه آب هیرمند به سوی سیستان به میزان ۹۸ درصد کمتر از متوسط سالانه بود و در سال آبی ۸۰-۱۳۷۹ ش (۲۰۰۱-۲۰۰۰ م) تنها ۴۸ میلیون متر مکعب آب به سیستان جریان یافت و دریاچه هامون بطور کامل خشک شد. نماینده سازمان

ملل علت این موضوع را کاهش بارندگی در بخش علیای رودخانه اعلام کرد و افزود: «وسعت منطقه برفگیر رودخانه در بخش علیا، که تغذیه کننده آب رودخانه می‌باشد از ۴۱ هزار کیلومتر مربع به ۲۶ هزار کیلومتر مربع بین سالهای ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ش کاهش یافته است که این مساله باعث کاهش فوق‌العاده شدید جریان آب هیرمند به سمت ایران شده است [۵۳].»

کاهش بارندگی در قسمت علیای رودخانه و تضاد در دیدگاههای سیاسی گروههای حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قراردادن ایران از سوی گروه طالبان فراهم نمود و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریاچه سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد. تشدید کم آبی در سیستان دولت ایران را بر آن داشت تا دست به اقداماتی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای برای مشخص نمودن علت این مساله (کم آبی) و حل آن بزند. در جولای سال ۲۰۰۰ (تیر ماه ۱۳۷۹ش) با موافقت حکومت طالبان، هیأت مشترکی از کارشناسان آب دو طرف ایران و افغانستان از سد کجکی و ایستگاه اندازه‌گیری آب در دهرآوود بازدید کردند. با اندازه‌گیری آبگذر رودخانه در دهرآوود مشخص گردید دبی آبی رودخانه ۴۶/۸ متر مکعب در ثانیه است و سد کجکی نیز دارای یک میلیارد متر مکعب ذخیره آب می‌باشد. نماینده دائمی ایران در سازمان ملل نیز طی نامه‌ای در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ م به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که دولت افغانستان با بستن دریاچه‌های سد کجکی مانع جریان آب هیرمند به سوی ایران گردیده است [۵۴، متن نامه].

حکومت انتقالی افغانستان و جریان آب هیرمند

با برچیده شدن حکومت طالبان در افغانستان و استقرار حکومت جدید بوسیله نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۸۰ش فصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور گشوده شد. در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ش حامدکرزای رئیس دولت موقت افغانستان به همراه هیأتی عالی رتبه به ایران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار نمود. در این سفر دو کشور سند همکاری امضا کردند، که در بند سیزدهم آن که به امضاء سید محمد خاتمی رئیس جمهور ایران و حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان رسید طرفین بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ش برای تقسیم آب هیرمند تاکید کردند [۵۵، متن اصلی سند].

سرانجام، بارندگی فراوان در بخش علیای رودخانه در زمستان ۱۳۸۱ش موجب جریان آب هیرمند در اواخر سال به سوی سیستان گردید. در فروردین ماه ۱۳۸۲ش با پر شدن سد کجکی و سر ریز شدن آب آن، دبی رودخانه به بیش از ۳۵۰ متر مکعب در ثانیه رسید [۵۶].

خشکسالی گسترده در حوضه رودخانه هیرمند که به مدت ۵ سال ادامه یافت در منطقه سیستان موجب خشک شدن دریاچه هامون، نابودی کشاورزی در ناحیه سیستان و خسارت فراوانی به افغانی های ساکن در بخش وسطی و دلتای هیرمند گردید و مهاجرت ۳۲۰ هزار افغانی به ایران را سبب شد [۵۷].

نتیجه گیری

نوسان آب هیرمند یکی از عوامل موثر بر روابط سیاسی ایران و افغانستان بوده است. با توجه به یافته های تحقیق می توان به نتایج ذیل دست یافت:

- ۱- حکمیت گلد اسمید در سال ۱۸۷۲ م موجب تقسیم سیستان به دو قسمت سیستان بیرونی و سیستان درونی و تقسیم حوضه رودخانه هیرمند در بخش دلتا میان ایران و افغانستان شد. قسمتی از مسیر رودخانه در بخش دلتا بعنوان مرز مشترک میان دو کشور تعیین شد و رود هیرمند به صورت یک رودخانه بین المللی در آمد که اختلاف بر سر تقسیم آب بین ساکنان دو سوی مرز را بوجود آورد.
- ۲- در یکصد سال گذشته افغانان با ساخت سدهای مخزنی و انحرافی بر روی هیرمند و جدا کردن کانال های متعددی از آن، میزان آب جاری به سمت ایران (سیستان) را کاهش داده اند. این موضوع، در مواقع خشکسالی در بخش علیای رودخانه کم آبی سیستان را تشدید نموده است.
- ۳- قرار گرفتن سیستان در بخش انتهایی حوضه هیرمند و وابستگی شدید آن به آب هیرمند، ناحیه سیستان را به شدت آسیب پذیر کرده است. افزایش مصرف آب هیرمند در افغانستان در صد سال گذشته و کاهش آب جاری به سمت سیستان باعث کوچکتر شدن مساحت هامون، کاهش وسعت زمینهای کشاورزی سیستان و در نهایت سبب مهاجرت تعداد زیادی از جمعیت این منطقه شده است.
- ۴- قرار گرفتن ۹۵ درصد از مسیر هیرمند در افغانستان، استفاده بیشتر افغانیها از آب هیرمند و وابستگی زیاد ولایتهای جنوب و جنوب غربی افغانستان به آب این رودخانه موجب شده، مساله تقسیم آب هیرمند بصورت موضوع ملی که مورد توجه عموم مردم کشور است در آید. این مورد تصمیم گیری در باره تقسیم آب هیرمند از سوی دولت افغانستان و حل این مشکل بین دو کشور را دشوار نموده است.

- ۵- قراردادهای موقت و دائمی تقسیم آب بین ایران و افغانستان در سالهای ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۵۱ تحت تاثیر روابط منطقه ای بین دو کشور منعقد گردید.
- ۶- نفوذ قدرتهای خارجی در افغانستان و حمایت آنها از این کشور برای جلب رضایت افغانیها، همواره در مورد مساله تقسیم آب هیرمند، به زیان ایران بوده است.
- ۷- آمریکائیا با احداث سدها و کانال هایی بر روی رود هیرمند بعد از دهه ۱۳۲۰ ش و جانبداری از افغانستان در رای کمیسیون بیطرف هیرمند موضع ایران در قبال مسأله تقسیم آب هیرمند را به شدت تضعیف نمودند. رای کمیسیون بیطرف هیرمند بهانه مناسبی به دست افغانان داد که پس از آن همواره سهم آب مورد نیاز سیستان را ۲۲ متر مکعب در ثانیه میدانستند و حاضر به پذیرفتن میرانی بیشتر از آن نبودند.
- ۸- قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۱۵ش آب رودخانه را بطور نصف نصف پس از بند کمال خان بین ایران و افغانستان تقسیم می کرد و اجرای آن بوسیله کمیساران محلی سبب شد که منازعات و زد و خورد های محلی بر سر استفاده از آب هیرمند بین ساکنان سیستان و چخانسور رفع شود.
- ۹- قرار داد تقسیم آب هیرمند در سال ۱۳۵۱ ش، بین ایران و افغانستان تحت تاثیر روابط منطقه ای ایران برای جلوگیری از نفوذ شوروی و حفظ آن در پایگاه غرب منعقد گردید. طبق این قرار داد سهم آب ایران از رود هیرمند ۲۶ متر مکعب در ثانیه می باشد که به هیچ وجه نیازهای آبی سیستان را تامین نمی کند. اجرای این قرار داد باعث خشک شدن دریاچه هامون و وقوع فاجعه در محیط زیست سیستان می شود که لطمه بزرگی به اقتصاد این ناحیه وارد خواهد کرد.
- ۱۰- بعد از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ش همواره با کاهش جریان آب هیرمند دولت ایران ضمن اعتراض از مجرای سیاسی، خواستار جریان آب هیرمند به میزان تعیین شده در قرار داد ۱۳۵۱ش و اجرای مفاد این قرارداد شده است. بدون اینکه پیامد اجرای این قرار داد را مورد توجه قرار دهد.
- ۱۱- قراردادن سرچشمه ها و بخش وسیعی از حوضه رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، این کشور را به لحاظ ژئوپلیتیکی در موضع فرادستی و کشور ایران را در موضع فرودستی قرار داده است و سبب شده است که دولت افغانستان از هیرمند به عنوان ابزار سیاسی، سیاست خارجی و مواضع ایران را تحت الشعاع قرار داده و در مواقع خاص امتیاز بگیرد. این در شرایطی است که ایران عمدتاً از طریق رودخانه هیرمند و هریرود به منابع آبی خارج از مرزهای خود و مشخصاً به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش ژئوپلیتیکی برای ایران محسوب می شود.

- منابع و مآخذ

- 1- Braden, K, Shelly, f, 2000, *Engaging Geopolitic*, London , person Education.p.108

- ۲- ماتسو، کوئی چیرو، ۱۳۸۲، آب میراث مشترک بشر، ترجمه: حمیدرضا نعیمی، روزنامه همشهری، اول اردیبهشت ۱۳۸۲، شماره ۳۰۲۹، ص ۵.
- ۳- براون، لستر، ۱۳۸۱، اقتصاد زیست محیطی (راه حل بحران محیط زیست)، ترجمه: حمید طراوتی، نشر هوای تازه، تهران، ص ۴۹.
- 4-Sawin, A, 2000, Water wars: fact or fiction?, **Futures**, 33, P.769-781.
- 5- Toset, H.P.W, Gleditsch, N.P, Hegre, H, 2000, shared rivers and interstate conflict, **Political Geography**, 19, P.971-996.
- ۶- بس کرنر، ناتاشا، ۱۳۷۲، آب، امنیت و خاورمیانه، ترجمه: پیروز ایزدی، چاپ اول، پژوهشکده علوم دفاعی و استراتژیک دانشگاه امام حسین، تهران، ص ۱۵.
- ۷- کلار مایکل، ۱۳۸۱، جغرافیای جدید منازعات، ترجمه: داود رضایی اسکندری، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۱، ص ۱۴۰-۱۲۷.
- ۸- مطالعات شناسایی حوضه آبریز رودخانه هیرمند (سیستان و پرنیان)، ۱۳۵۱، وزارت آب و برق و تهران، کتابخانه وزارت نیرو، ص ۴.
- ۹- طرح جامع آب کشور حوضه آبریز رود هیرمند، ۱۳۷۸، شرکت مهندسين مشاور جاماب، وزارت نیرو، ص ۳۵.
- ۱۰- مجتهد زاده، پیروز، ۱۳۷۸، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه: حمیدرضا ملک محمد نوری، تهران، نشر شیرازه، به نقل از: from Indian Government to Goldsmid, dated 16 may 1871, No.905p.Fo 60/388.
- ۱۱- زند فرد، فریدون، ۱۳۷۸، ایران و جهانی پر تلاطم، نشر شیرازه، تهران، ص ۱۶.
- ۱۲- حکمیت مک ماهون، مورخ دهم آوریل ۱۹۰۵، اسناد وزارت امور خارجه سال ۱۳۲۲ ق، کارتن ۱۶، پرونده ۱۰، ص ۱۳.
- ۱۳- از طرف گمرک به نصر... مشیرالدوله وزیر امور خارجه ایران، مورخ ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۰ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ ق، کارتن ۱۷، پرونده ۹.
- ۱۴- محمدعلی، استخراج تلگراف رمز از لندن، مورخ ۲۸ جمادی الاول ۱۳۲۰ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ ق، کارتن ۲۶، پرونده ۱/۱.
- ۱۵- گزارش کارگزاری سیستان به وزارت امور خارجه ایران، تاریخ سند روشن نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۰ ق، کارتن ۱۷، پرونده ۹.

16- From McMahon to Secretary to the Indian Government in the Foreign Dept. No.128, dated camp Kohak, 19 Nov.1903, en closure 66, Fo 60/725, p.411.

- ۱۷- ترجمه نامه محرمانه سفارت انگلیس در باب تقسیم آب هیرمند، تاریخ سند روشن نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۱۴، پرونده ۱۱
- ۱۸- نویسنده و تاریخ سند مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳ق، کارتن ۱۶، پرونده ۸.
- ۱۹- مراسله سفارت انگلیس به وزارت امور خارجه ایران، مورخ سوم صفر ۱۳۲۳ قمری، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲ق، کارتن ۲۵، پرونده ۷.
- ۲۰- از طرف خلعت بری سفیر ایران در کابل به وزارت امور خارجه، تاریخ نامه مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۰۹، کارتن ۲۵، پرونده ۱۱۶.
- ۲۱- گزارش کمیسیون هیرمند، محمد ابراهیم علم، سواد راپورت آقایان شیرازی و افشار، مورخ ۶ دی ۱۳۱۰ شمسی، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۱، کارتن ۲۰، پرونده ۱۱۶.
- ۲۲- گزارش نصرآ... بهمن به وزارت امور خارجه ایران، تاریخ سند مشخص نیست، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۲، کارتن ۱۵، پرونده ۱۱۶.
- ۲۳- گزارش غلامحسین رسته به وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ایران، مورخ ۲۲ فروردین سال ۱۳۱۱ ش، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۱، کارتن ۲۰، پرونده ۱۱۶.
- ۲۴- تلگراف سمیعی معاون وزارت امور خارجه ایران به سفارت دولت شاهنشاهی ایران در کابل، مورخ ۶ تیر ماه ۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۵، کارتن ۳۳، پرونده ۳.
- ۲۵- از طرف سرلشگر ضرغامی کفیل ستاد ارتش (وزارت جنگ، ستاد ارتش) به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۱۷ تیر ماه ۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳، پرونده ۳.
- ۲۶- قرارداد موقت تقسیم آب هیرمند بین دولتهای ایران و افغانستان، مورخ ۵ شهریور ۱۳۱۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران، کارتن ۳۳، پرونده ۳.
- ۲۷- از طرف حسن دیبائیان از اداره فلاحه زابل به اداره کل فلاحه، مورخ ۱۸ مهر ۱۳۱۶، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۱۶، کارتن ۳۳، پرونده ۳.
- ۲۸- قرارداد تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان در سال ۱۳۱۷، مورخ ۸ دی ماه ۱۳۱۷، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نماینده گی کابل)، سال ۱۳۱۷، کارتن ۱۰۵، پرونده ۹۹.
- ۲۹- از طرف وزارت امور خارجه ایران به نخست وزیری، مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۲۰، شماره ۲۵۷، مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه پهلوی اول، پرونده ۵۷.
- ۳۰- از طرف وزیر کشاورزی به وزارت امور خارجه، مورخ ۸ آذر ۱۳۲۴، شماره ۱۴۶۷۴، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۴، کارتن ۳۱، پرونده ۳.

- ۳۱- گزارش ه.ج پولستر وابسته کشاورزی سفارت امریکا در تهران درباره وضع کشاورزی سیستان، مورخ ۱۶ سپتامبر ۱۹۴۷ (۲۵ شهریور ۱۳۲۶) ، اسناد وزارت امور خارجه ایران ، سال ۱۳۲۶، کارتن ۷، پرونده ۳-۱۷۲.
- ۳۲- از طرف مهندس شفیع رئیس اداره کشاورزی شهرستان زابل به نخست وزیر، مورخ ۲۷ مرداد ۱۳۲۷ ، شماره ۳۰۱۳، مرکز اسناد ریاست جمهوری ، پایگاه پهلوی دوم، پرونده ۷۲۴۵.
- ۳۳- گزارش وزیر امور خارجه ایران به نخست وزیر، مورخ ۱ آبان ۱۳۳۳، شماره نامه ۴۹۷۶، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل) ، سال ۱۳۳۳ ، کارتن ۳۸، پرونده ۲۲۷.
- ۳۴- گزارش مهندس تشکری از حاشیه هیرمند در مورد علل کم آبی سیستان در سال ۱۳۲۷، تاریخ سند دقیقاً مشخص نیست، ضمیمه پرونده اداره عهود و امور حقوقی هیرمند، کتابخانه وزارت نیرو.
- ۳۵- اظهار نظر حقوقی نسبت به گزارش کمیسیون بیطرف هیرمند، دکتر خوشبین، اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۳۱ش، کارتن ۱۶ ، پرونده ۲۷ ، ص ۱.
- ۳۶- از اداره مرزبانی به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۱۰ دی ۱۳۳۲، شماره نامه ۵۵، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل)، سال ۱۳۳۲ش، کارتن ۲۲۲، پرونده ۳۸.
- ۳۷- اسناد وزارت امور خارجه ایران نمایندگی کابل، سال ۱۳۳۳، کارتن ۳۸، پرونده ۲۲۷.
- ۳۸- گزارش ماهیانه رئیس اداره پنجم سیاسی وزارت امور خارجه دولت شاهنشاهی ، محمد قوام به نخست وزیر ، خرداد ماه ۱۳۳۴، مورخ ۳۰ خرداد ۱۳۳۴، مرکز اسناد ریاست جمهوری ، پایگاه پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۱ش) ، پرونده ۱۷۶۱ .
- ۳۹- از طرف علی امینی سفیر کبیر ایران در واشنگتن به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۳۰ فروردین ۱۳۳۵، شماره ۶م/م، مذاکرات هیأت اعزامی به واشنگتن راجع به رودخانه هیرمند، نسخه دوم، تهران، کتابخانه وزارت نیرو.
- ۴۰- حاجیان، ۱۳۷۰، « نگرش بر تاریخ دیپلماسی افغانستان » ، مجموعه مقالات پیرامون افغانستان، مرکز تحقیقات افغانستان، تهران، ص ۱۷۴-۱۷۳.
- ۴۱- از طرف محمود صلاحی سفیر دولت شاهنشاهی ایران در کابل به آقای انتظام وزیر امور خارجه ایران، مورخ ۷ بهمن ۱۳۳۳، شماره ۱۲۴، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل)، سال ۱۳۳۳، کارتن ۲۲۷، پرونده ۳۹.
- ۴۲- ، کوهستانی نژاد، مسعود، ۱۳۸۲، هیرمند، منافع ملی در قربانگاه روابط منطقه ای ، پیشین ، ص ۱۲۸. به نقل از: سازمان اسناد ملی ایران، سند شماره: ۱-۱۳۶-۲-۲۹۰.
- ۴۳- روزنامه کیهان، ۴ بهمن ۱۳۳۷ش، شماره ۴۶۷۶، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل) ، سال ۱۳۳۷، کارتن ۲۵۱، پرونده ۱۱۹.
- ۴۴- از طرف محمد شایسته سفیر ایران به وزارت امور خارجه ایران، مورخ ۲۵ شهریور ۱۳۳۸ش، شماره ۱۷۰۲، اسناد وزارت امور خارجه (نمایندگی کابل)، سال ۱۳۳۸ش، کارتن ۲۵۸، پرونده ۱۴۲.
- ۴۵- از طرف حسین علایی وزیر دربار شاهنشاهی به علیقلی اردلان سفیر کبیر ایران در واشنگتن ، تاریخ مشخص نیست ، اسناد وزارت امور خارجه ایران ، کارتن ۲۵۸، پرونده ۱۴۲.

- ۴۶ - خلاصه مذاکرات با سردار داود صدر اعظم افغانستان و همراهان در تاریخ ۲۸ و ۲۹ اسفند ۱۳۳۸ ش در تهران ، ص ۲-۱، سازمان اسناد ملی ایران، مجموعه اسناد نخست وزیری، کد ۱۰۲۰۱۰.
- ۴۷- جعفرعلی زاده ، ۱۳۸۳ ، هیدروپلیتیک هیرمند و تاثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان ، پایانامه کارشناسی ارشد ، دانشگاه تربیت مدرس ، تهران .
- ۴۸- از طرف محمود ذوالفقاری سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران - کابل به عباس آرام وزیر امور خارجه ، مورخ ۲۴ آبان ۱۳۴۱ ، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل) ، سال ۱۳۴۱ ، کارتن ۲۷۶ ، پرونده ۱۰۳.
- ۴۹- سازمان آب منطقه‌ای سیستان، واحد آبهای سطحی، آمار میزان آب ورودی به سیستان در سال زراعی ۱۳۴۹-۵۰.
- ۵۰- معاهده تقسیم آب هیرمند بین ایران و افغانستان ۲۲ اسفند ۱۳۵۱، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل) سال ۱۳۵۶-۵۸ ش، کارتن ۳۹۴، پرونده ۳۲.
- ۵۱- گزارش مأموریت به افغانستان از طرف محمد باقر قلیزاده و اصغر معنوی به وزارت نیرو، مورخ ۹ خرداد ۱۳۵۵ ش، اسناد وزارت امور خارجه ایران (نمایندگی کابل) ، ۱۳۵۵ ، کارتن ۳۸۶ ، پرونده ۹۱.
- 52 - Kharrazi.K, 2002, IRAN AND AFGHANISTAN, **Journal of International Affairs**, Vol.VII, No.1 p1-9.
- 53- United Nations Interagency Assessment Report on the Extreme Drought in the Islamic Republic of Iran, Tehran , July 2001.
- 54 - Latter dated 12 December 2002 from the permanent Representative of the Islamic Republic of Iran to the United Nations, addressed to the secretary – general , UN, security council, 13 December 2002.
- ۵۵- سند همکاریهای جمهوری اسلامی ایران و اداره موقت افغانستان، مورخ ۵ تا ۱۷ اسفند ۱۳۸۰.
- 56- [www. pagvand .Iran news.com](http://www.pagvand.Iran news.com)
- 57 - partow.H, 2003, sistan Oasis parched by Drought, in Atlas of Global change. United Nations Environmental program, oxford university press.